

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۶)
(ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان شناسی)

چهارچوب تحلیلی نقد ایدئولوژی در ترجمه و نگاهی به ترجمه‌ی انگلیسی بوف کور هدایت

محمد غضنفری*
دانشگاه شیراز

چکیده

نظریه پردازان ترجمه، عموماً بر این باورند که ترجمه فعالیتی است ذهنی، پیچیده، آگاهانه و هدفمند. به طور کلی شاید بتوان گفت که در تمام مراحل ترجمه، گزینه‌های کلامی مترجم - اعم از سبک بیان، گزینش واژگان، انتخاب تعبیرات گوناگون، به کارگیری ترکیبات مختلف، و مانند این‌ها - همه به گونه‌ای، آگاهانه یا ناآگاهانه، متأثر از جهت گیری‌های ایدئولوژیک وی است. در این مقاله، مبحث ایدئولوژی در ترجمه و تأثیرات آن بر کار مترجم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نخست، پدیده‌ی ایدئولوژی و مفاهیم گوناگون آن در زمینه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته و از دیدگاه زبان‌شناسی تعریف شده است. سپس، چهارچوبی که از سوی حتیم و میسن (۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷) برای سنجش و تجزیه و تحلیل ایدئولوژی در متون ترجمه شده پیشنهاد گردیده است اجمالاً معرفی شده و مقوله‌هایی که در حیطه‌ی آن قرار می‌گیرند، یعنی: گفتمان (discourse)، گفتمان‌گونه (genre) و متن (text)، هر یک جداگانه مورد بحث قرار گرفته؛ نمونه‌ای از ترجمه‌هایی که متأثر از هر یک از این مقوله‌ها است در جای خود ارائه شده و از منظر ایدئولوژی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بخش پایانی مقاله به واکاوی ترجمه‌ی انگلیسی داستان بوف کور، اثر صادق هدایت، در چهارچوب تحلیلی حتیم و میسن می‌پردازد و در حقیقت فشرده‌ای از یک پژوهش مفصل را ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ۱. ایدئولوژی ۲. ترجمه و ایدئولوژی ۳. گفتمان و ترجمه ۴. دستور نقشی - سازگانی و ترجمه ۵. ترجمه‌ی ادبی و ایدئولوژی ۶. ترجمه‌ی بوف کور

۱. پیش درآمد

در سراسر تاریخ تمدن، ترجمه همواره به مثابه‌ی ابزار تبادل اندیشه‌ها و نشر معارف بشری در زندگی جوامع انسانی نقش و تأثیر خود را بر جای گذاشته است. مترجم در بستر اجتماعی - فرهنگی خاصی به کار می‌پردازد و خود بخشی از جامعه‌ی زبانی‌ای به شمار می‌رود که از دیگران ترجمه‌ی وی بهره‌مند می‌گردند. بنابراین، ترجمه، فعالیتی است ذهنی، آگاهانه، هدفمند و جهت‌دار که با عنایت به نیازها، ذوقیات، باورها و تصورات جامعه و فرهنگ مقصد انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، در نقد و بررسی ترجمه‌ها، غالباً به تقسیم‌بندی‌های دوگانه‌ای برمی‌خوریم که منتقدان ترجمه بر اساس آنها حاصل کار مترجم را در یکی از دو قطب یک پیوستار جای می‌دهند: از قبیل "ترجمه‌ی آزاد" در مقابل "ترجمه‌ی لفظ به لفظ"، "تبادل پویا" در مقابل "تبادل صوری"، "ترجمه‌ی ارتباطی" در مقابل "ترجمه‌ی معنایی" و مانند این‌ها. اما حتیم و میسن (۱۹۹۷) بر این باورند که اگر با نگرشی فراگیر به موضوع بنگریم، گزینه‌های مترجم در فرآیند ترجمه را غالباً می‌توانیم در چهارچوب دیدگاه‌های ایدئولوژیکی وی توجیه و تحلیل کنیم. از نظر ونوتی (۱۹۹۵)،

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی

راهبردهای مترجم در فرآیند انتقال متن مبدا به مقصد ناشی از دیدگاه‌های ایدئولوژیکی وی است، تا آنجا که شاید بتوان گفت، در طی این طریق، مترجم را از کمند ایدئولوژی گزیری و گزیزی نیست و ماحصل کار وی پیامدهای ایدئولوژیک خود را برای فرهنگ مقصد به ارمغان خواهد آورد. از این دیدگاه، ترجمه، فی نفسه، فعالیتی ایدئولوژیک است. با این وجود، پرسشی که بلافاصله به ذهن می‌آید این است که: آیا چهارچوبی برای بررسی عینی نقش ایدئولوژی در ترجمه وجود دارد، که از طریق آن بتوان جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک مترجم را در متن بازشناخت و نشان داد؟ به عقیده‌ی شافنر (۲۰۰۲)، مضاف بر این که هر ترجمه‌ای را می‌توان، به خودی خود، محصول یک ایدئولوژی دانست، جنبه‌های ایدئولوژیک هر متن ترجمه شده را نیز می‌توان از دل آن بیرون کشید و در معرض تماشا گذاشت. شافنر معتقد است که تجزیه و تحلیل ابعاد ایدئولوژیک ترجمه را می‌توان در دو سطح *واژگانی* (مثلاً، در گزینش واژه‌ای خاص و احتراز از واژه‌های دیگر) و *دستوری* (برای نمونه، به کارگیری ساختار مجهول به منظور خودداری از بیان فاعل) انجام داد.

این مقاله نخست به چهارچوب تحلیلی مقوله‌های **ژانر** (گفتمان‌گونه)، **گفتمان** و **متن**، که از سوی حتیم و میسن (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۷) برای ارزیابی ترجمه‌ها و به ویژه، تجزیه و تحلیل ابعاد عنصر ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد شده است، می‌پردازد. نمونه‌ی ترجمه‌های متأثر از هر یک از مقوله‌های یادشده نیز در ذیل مبحث آن ارایه شده و از منظر بازتاب ایدئولوژی در ترجمه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در بخش پایانی مقاله، ترجمه‌ی انگلیسی داستان **بوف کور**، اثر صادق هدایت، نویسنده‌ی معروف معاصر ایران، که به قلم کاستلو ترجمه شده است، با بهره‌گیری از چهارچوب تحلیلی حتیم و میسن و از دیدگاه تأثیر ایدئولوژی بر روند ترجمه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲. تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی یکی از مفاهیمی است که از سوی صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون معارف بشری، از قبیل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ادبیات، زبان‌شناسی و ... به کار گرفته شده و در عین حال، تعریف واحد و متفق‌القولی از آن وجود ندارد و شاید بتوان گفت که یکی از مصداق‌های "هرکسی از ظن خود شد یار من" باشد. هاوکینز (۲۰۰۱) ایدئولوژی را سرچشمه‌ی اغلب تنش‌های بشری معرفی می‌کند و آن را پدیده‌ای می‌داند که انسان‌ها در طول شبانه‌روز، همچون خود زبان با آن سروکار دارند، اما تا هنگامی که تعارض‌های ناشی از ایدئولوژی‌های متفاوت بروز نکرده است، کمتر به تامل درباره‌ی آن می‌پردازند. به نظر وی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید و باورهای اطلاق می‌گردد که تجربیات و انتظارات انسان‌ها را شکل می‌دهند. لیکاف در مصاحبه با پاپرز (۲۰۰۱) از منظری شناخت‌گرایانه به ایدئولوژی می‌نگرد و آن را گونه‌ای نظام ذهنی و انتزاعی می‌داند که در عین حال در برگیرنده‌ی نظامی اخلاقی نیز هست و راه صواب را از راه خطا جدا می‌کند. به نظر او، ایدئولوژی هم دارای جنبه‌های آگاهانه و بارز و هم جنبه‌های ناآگاهانه و پوشیده است. تعریفی که سیمپسون (۱۹۹۳) از ایدئولوژی به دست داده است و حتیم و میسن (۱۹۹۷) هم همان را پذیرفته‌اند، شاید در حوزه‌ی زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی از کارآیی بیشتری برخوردار باشد: "ایدئولوژی از مفروضات بدیهی، باورها و مجموعه ارزش‌هایی نشات می‌گیرد که وجه مشترک کلیه‌ی افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهند" (ص. ۵). اما آخرین تعریفی که شاید گویاتر از سایر تعاریف ایدئولوژی باشد، از آن یارمحمدی (۱۳۷۹) است: "در زبان‌شناسی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مندی که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است اطلاق می‌شود" (ص. ۷).

۳. مقوله‌های تحلیلی حتیم و میسن در قلمرو ایدئولوژی و ترجمه

از دیدگاه نشانه‌شناسی (semiotics)، ترجمه فعالیتی است که با مجموعه‌ای از نشانه‌ها سر و کار دارد و مترجم می‌کوشد، علاوه بر بعد ارتباطی و منظورشناختی متن مبدا، ویژگی‌های نشانه‌شناختی آن را نیز در قالب متن مقصد انتقال دهد. اما در مسیر این فرایند نقل و انتقال، موانع و تنگنایی نیز وجود دارند که می‌توانند بر تصمیم‌ها و

راهبردهای مترجم تاثیرگذار باشند. از جمله مقوله‌های نشانه شناختی‌ای که ممکن است چنین محدودیت‌هایی را موجب شوند، می‌توان به ژانر (گفتمان‌گونه)، **گفتمان**، و **متن** اشاره کرد، چه هر یک از این‌ها حامل اصول، قراردادها، باورها و ارزش‌هایی خاص است که ممکن است در دو فرهنگ و زبان مبدا و مقصد لزوماً یکسان نباشند (حتیم و میسن، ۱۹۹۰).

چهارچوبی که حتیم و میسن (۱۹۹۰) برای پژوهش ابعاد ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد کرده و متعاقباً نیز به آن پرداخته‌اند (برای نمونه، نگاه کنید به حتیم و میسن، ۱۹۹۷، ۱۹۹۱، و نیز میسن، ۱۹۹۴) در سه مقوله‌ی مرتبط با هم - یعنی، گفتمان‌گونه، گفتمان، و متن - به بررسی جنبه‌های ایدئولوژی در ترجمه می‌پردازد. در این راستا، فرایندهای حاکم بر پدیدآوری و پذیرش متن و نیز قواعد بلاغی دو زبان مبدا و مقصد مد نظر قرار می‌گیرند. از دیدگاه آنان، سه مقوله‌ی یاد شده به مثابه‌ی نظام‌های نشانه شناختی‌ای تلقی می‌گردند که ایدئولوژی در قالب آنها متجلی می‌شود. بنابراین، به سخن میسن (۱۹۹۴)، "بهترین راه بررسی نقش و ابعاد ایدئولوژی در ترجمه، به کارگیری این چهارچوب است" (ص. ۲۶). در زیر، به بررسی این سه مقوله می‌پردازیم.

۳.۱. محدودیت‌های گفتمانی (Discoursal constraints)

از دیدگاه فرکلا (Fairclough) (۱۹۹۵)، "گفتمان عبارت است از به کارگیری زبان به منزله‌ی یک امر اجتماعی و، بنابراین، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کیفیت کارکرد متن در بستر اجتماعی- فرهنگی آن است" (ص. ۷). در بحث از تنگناهای گفتمانی که مترجم در فرایند ترجمه با آنها روبرو است و در موارد بسیاری بر ترجمه‌ی وی اثر می‌گذارد، غالباً به عناصری مانند پیوند واژگانی (lexical cohesion)، ساز و کار تعدی (transitivity) و ساز و کار آغاز- پایانه (theme-rheme arrangement) اشاره می‌شود و تاثیرات هر یک بر گزینش‌های مترجم از دیدگاه ایدئولوژی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این روی، در زیر، به‌طور جداگانه، به هر یک از این مقوله‌ها می‌پردازیم.

۳.۱.۱. ساز و کار آغاز- پایانه (Theme-rheme arrangement): از منظر ارتباطی، اگر جمله (یا به

تعبیر هالیدی، ۱۹۸۵، "جمله وار" clause) را به مثابه‌ی یک پیام در نظر بگیریم، این پیام از دو بخش **آغاز** (theme) و **پایانه** (rheme) تشکیل خواهد شد. **آغاز** نقطه‌ی شروع پیام است؛ یا به سخن دیگر، آنچه جمله درباره‌ی آن سخن می‌گوید آغاز نامیده می‌شود. در قیاس با پایانه، که دومین جزو جمله را تشکیل می‌دهد. آغاز از اهمیت ارتباطی کمتری برخوردار است (نگاه کنید به حتیم و میسن، ۱۹۹۰، صص ۲۱۲-۲۱۳). **پایانه** مقصود کلام است و در حقیقت، عبارت است از آنچه گوینده یا نویسنده درباره‌ی آغاز می‌گوید. از دیدگاه ارتباطی، پایانه مهم ترین جزو ساختار جمله را تشکیل می‌دهد، زیرا هدف ارتباطی پاره گفتار (utterance) را محقق می‌سازد و حاوی اطلاعاتی است که گوینده یا نویسنده قصد انتقال آن را به شنونده یا خواننده دارد (بیکر، ۱۹۹۹). آغاز لزوماً یک گروه اسمی نیست. یک گروه قیدی یا حرف اضافه‌ای هم می‌تواند در جایگاه آغاز ظاهر شود. در مصراع: "سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد"، قید **سالها** در مقام آغاز ظاهر شده است و بقیه‌ی مصراع پایانه را تشکیل می‌دهد. همین طور، در جمله‌ی: "در روزگاران دور، پادشاهی ستم گر بر سرزمینی فرمانروایی می‌کرد"، گروه حرف اضافه‌ی **در روزگاران دور** آغازی جمله است.

هالیدی (۱۹۸۵) یادآور می‌شود که اگر آغازی جمله عوض شود، معنای پیام و اهمیت ارتباطی آن نیز دستخوش دگرگونی خواهد شد. به همین قیاس، به اهمیت ساز و کار آغاز- پایانه در ترجمه نیز می‌توان پی برد.

۳.۱.۲. پیوند واژگانی (Lexical cohesion): پیوند (cohesion) مفهومی است معنایی و به روابط معنایی

درون متن برمی‌گردد. به سخن دیگر، هرگاه تعبیر و تفسیر عنصری در متن منوط به تعبیر و تفسیر عنصر دیگری در همان متن باشد، با پیوند سر و کار داریم. حتیم و میسن (۱۹۹۷) پیوند را شرط لازم برای مجموعه‌ای واحد از جملات می‌دانند که یک متن را تشکیل می‌دهد. پیوند از دو طریق پیوند دستوری و پیوند واژگانی تحقق می‌یابد. پیوند واژگانی غالباً از راه گزینش و تکرار واژگان حاصل می‌گردد و مستلزم تکرار یک واژه‌ی خاص در متن، جایگزینی واژه‌ای با یک اسم عام در متن، به کارگیری کلمات مترادف - یا تقریباً مترادف - با یک واژه به جای تکرار آن، و نیز به کارگیری

واژه‌های مرتبط با واژه‌ای است که پیش‌تر در متن ظاهر شده است (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶). راه دیگری که از طریق آن می‌توان به پیوند واژگانی دست یافت، به کارگیری توازن (parallelism) است.

هالیدی و حسن (همان) بر این باورند که پدید آورنده‌ی متن از طریق پیوند واژگانی نگرش خاصی را به صورت تلویحی مورد تاکید قرار می‌دهد و بنابراین، یکی از حساس‌ترین وظایف مترجم توجه خاص به پیوندهای واژگانی متن است. حتیم و میسن (۱۹۹۱) نیز تاکید می‌ورزند که از منظر گفتمانی، تکرار واژه‌ها در متن راهکاری هدفمند تلقی می‌شود و غالباً یکی از عناصر اصلی انسجام (coherence) متن را به وجود می‌آورد.

به نمونه‌ای از پیوند واژگانی با استفاده از راهکار تکرار (recurrence) - برگرفته از پژوهش نسبتاً مفصلی که نگارنده با مقابله‌ی ترجمه‌ی فارسی رمان ۱۹۸۴ و متن اصلی آن انجام داده است - بنگرید که مترجم در انتقال عناصر پیوندی متن دقت لازم را به خرج داده و بنابراین، می‌توان گفت، در انتقال پیام متن نیز موفق بوده است:

It [the truncheon] might fall anywhere: on the crown, on the tip of the ear, on the upper arm, on the elbow- (Orwell, *Nineteen Eighty-Four*, p. 245)

[تعلیمی] چه بسا که به هر جا فرود بیاید: به سر، به گوش، به بازو، به مچ ... (۱۹۸۴، ص. ۲۲۰، ترجمه صالح حسینی، ۱۳۸۰)

۳.۱.۳. ساز و کار تعدی (Transitivity): در بحث از تجزیه و تحلیل متن، هالیدی (۱۹۸۵) اصرار می‌ورزد که تحلیل متن از هر نوعی که باشد، چه ترجمه و چه غیر آن، باید مبتنی بر دستور زبان باشد و تصور این که، فی‌المثل، گفتمان را می‌توان بدون نیاز به دستور زبان، تجزیه و تحلیل کرد، توهمی بیش نیست. دستوری که وی تحلیل متن را براساس آن پیشنهاد می‌کند، در ادبیات زبان‌شناسی به دستور نقشی-سازگانی (Systemic-Functional Grammar) شناخته شده است.

گوشوران زبان به شیوه‌های مختلف می‌توانند تجربه و احساس خود از رویدادها و تصویر ذهنی‌ای را که از واقعیت‌های این جهان دارند به بیان در آورند. در دستور هالیدی این گزینش‌ها در چهارچوب سیستم ساز و کار تعدی (transitivity system) انجام می‌شود. ساز و کار تعدی کیفیت تجلی معنا را در قالب جملات تحقق می‌بخشد و این کار را با استفاده از فرایندهای مختلف (گروه‌های فعلی) انجام می‌دهد. به طور کلی، فرایندهای معنایی که در قالب جمله بیان می‌شوند دارای سه مؤلفه‌ی بالقوه هستند:

۱. خود فرایند (process)، که در شکل گروه فعلی ظاهر می‌گردد؛

۲. مشارکت کنندگان (participants) در فرایند، که نقش‌های مختلف (فاعلی، مفعولی، و ...) را در قالب گروه‌های اسمی برعهده می‌گیرند؛

۳. شرایط فرایند (circumstances)، که از طریق گروه‌های قیدی یا حروف اضافه‌ای تحقق می‌یابند (برای مطالعه‌ی بیشتر، نگاه کنید به سیمپسون Simpson، ۱۹۹۳).

هالیدی شش نوع فرایند بر می‌شمرد، اما سه فرایند مادی (یا عینی) (Material)، ذهنی (Mental) و اعتباری (Relational) را عمده‌ترین آنها می‌نامد، که مجال شرح و تفصیلی فراتر از حوصله‌ی این بحث می‌طلبند.

بیشتر در حوزه‌ی این گفتار می‌گنجد، یادآوری این نکته است که تغییر صورت فرایندها (برای مثال، تغییر از نوعی به نوع دیگر، کاهش، افزایش یا حذف فرایندها) و جابه‌جایی نقش مشارکت‌کنندگان جمله در ترجمه، می‌تواند ایدئولوژی نویسنده‌ی متن مبدا را دستخوش دگرگونی سازد. حتیم و میسن (۱۹۹۷) تاکید می‌ورزند که تغییر ساختار جمله (مثلاً، از معلوم به مجهول یا به عکس، تغییر فرایند ارادی به غیر ارادی، و ...) می‌تواند نشان دهنده‌ی جهان‌بینی‌ها و گرایش‌های ایدئولوژیک متفاوت باشد. برای مثال، در مورد تغییر فرایند اعتباری به فرایند عینی (مادی)، کالزادا پرز (۲۰۰۲) تفاوت حاصل را این گونه توضیح می‌دهد: "در فرایندهای اعتباری که بر حالت یا وضعیتی دلالت دارند، عاملیت وجود ندارد" (ص ۲۳۱)؛ در صورتی که در فرایندهای عینی که بر کنش دلالت دارند، "هر کنش را عاملی است و عاملین کنش‌ها در مقابل عملکرد خود مسئولند" (ص ۲۱۸). سایکس (۱۹۸۵) دو جمله‌ی زیر را مقایسه کرده و

ساز و کار تعدی جمله‌ی دوم - درقیاس با جمله‌ی اول - را نشانگر نگرش‌های تبعیض آمیز در گفتمان می‌داند:

(الف) **جوانان سیاهپوست** پلیس را سنگ باران کردند.

(ب) **پلیس** به دست جوانان سفید پوست سنگ باران شد.

گرچه هر دو جمله حاوی اطلاعات یکسانی هستند (جز این که "پرتاب کنندگان سنگ" در (الف) سیاهپوست و در (ب) سفید پوستانند)، با این وجود، جمله‌ی مجهول (ب) این پیامد را به دنبال داشته که جوانان **سفید پوست** را از کانون توجه جمله محو ساخته و تاکید کلام را بر پلیس متمرکز می‌سازد و بدین ترتیب، عاملیت جوانان **سفید پوست** را کم رنگ جلوه می‌دهد، در حالی که در جمله‌ی (الف) مسئولیت جوانان **سیاهپوست** نمود عینی دارد. در تایید همین نکته، (براون و یول، ۱۳۳: ۱۹۸۳) می‌نویسند: "هر چه را که گوینده یا نویسنده در ابتدا قرار دهد، بر تعبیر و تفسیر آنچه به دنبال آن می‌آید تاثیر می‌گذارد."

۳.۲. محدودیت‌های متنی (Textual constraints)

در زبان‌شناسی، **متن** پاره‌ای است کلامی (چه در قالب گفتار، چه در قالب نوشتار)، در هر حجم و اندازه، که یک واحد منسجم و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد. متن دارای مشخصه‌هایی است که آن را از غیر متن (مثلاً، شماری از جملات بی ارتباط با هم) متمایز می‌سازد و از نظر اندازه، ممکن است در حد یک ضرب المثل یا یک نمایشنامه از شکسپیر باشد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶). متن‌ها را بر اساس موضوع گفتمان یا کارکرد آنها می‌توان به دسته‌هایی مانند "ژورنالیستی"، "علمی"، "مذهبی"، "ادبی"، و ... دسته‌بندی کرد. گرچه گفته می‌شود متن‌ها از نظر کارکردی گاهی چندان مبهم و سیال جلوه می‌کنند و همزمان چندین هدف منظور شناختی را بر آورده می‌سازند که دسته‌بندی آنها کار بسیار دشواری است، با وجود این (ورلیچ، ۱۹۷۶؛ در حتیم و میسن، ۱۹۹۰) بر این باور است که در هر متن، همواره یک هدف بلاغی و منظورشناختی مشخص، در مقایسه با دیگر اهداف جنبی متن، از بروز و نمود بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که متن را بر پایه‌ی این کانون محوری آن می‌توان در دسته‌ای مشخص قرار داد و هدف منظور شناختی آن را کشف کرد. برای نمونه، در یک متن خبری، گزارش رویدادها کانون محوری متن را تشکیل می‌دهد اما به حکم ضرورت، ممکن است رگه‌هایی از ارزش-داوری نیز در متن راه یابد که البته جزو اهداف جنبی متن به شمار می‌آید و مغایرتی با هدف اصلی متن ندارد.

۳.۳. محدودیت‌های گفتمان‌گونه‌ای (Generic constraints)

ژانر، یا به تعبیر یارمحمدی (۱۳۸۰)، "گفتمان‌گونه"، به متنی اطلاق می‌گردد که هدف ارتباطی خاصی را برآورده می‌سازد. برای مثال، "سرمقاله" در روزنامه‌های روزگار ما یک گفتمان‌گونه‌ی مستقل را تشکیل می‌دهد مثلاً در قلمرو ادبیات، شعر و داستان کوتاه، دو گفتمان‌گونه‌ی ادبی مجزا به حساب می‌آیند که هر یک اصول و قراردادهای خاص خود را می‌طلبد. کرس (۱۹۸۵؛ در حتیم و میسن، ۱۹۹۰، ص. ۶۹) گفتمان‌گونه‌ها را متن‌هایی می‌داند "که به شکلی قراردادی نقش‌ها و اهداف ویژه‌ی را در موقعیت‌های اجتماعی خاصی منعکس می‌کنند." گفتمان‌گونه‌ها، به سخن حتیم و میسن، ممکن است ادبی یا غیر ادبی و زبانی یا غیر زبانی (مثلاً، مراسم غسل تعمید در آیین مسیحیان) باشند. مارتین (۱۹۸۵؛ در حتیم و میسن، همان) بر این باور است که اصول و قراردادهای حاکم بر گفتمان‌گونه‌ها به منزله‌ی نشانه‌های ویژه‌ی فرهنگ‌های خاص تلقی می‌شوند و شیوه‌ی بیان یا رمز گذاری آنها در فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است.

نکته‌ی با اهمیتی که باید بدان اشاره کرد این است که گفتمان‌گونه‌ها بر تصمیمات مترجم تاثیر می‌گذارند و ناگفته پیداست که مترجم در جریان برگردان متن، وقتی با محدودیت‌های ناشی از گفتمان‌گونه روبرو می‌گردد - مثلاً به مواردی برمی‌خورد که در فرهنگ مقصد شناخته شده و پذیرفته نیست - بیشتر ترجیح می‌دهد بر وفق سنت‌های گفتمان‌گونه‌ای فرهنگ خویش عمل کند که در حقیقت، می‌توان گفت بازتاب ایدئولوژی وی در ترجمه است. در غیر این صورت، ترجمه‌ی وی رنگ و بوی "بیگانه‌گرایی" (foreignization) به خود خواهد گرفت (نگاه کنید به ونوتی، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸).

گرچه بحث درباره‌ی ترجمه‌ی انگلیسی فیتزجرالد از رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری شایسته‌ی مجال و مقالی مفصل تر از این است، در این جا برای آن که محدودیت‌ها، یا گزینه‌های، مترجم در قلمرو گفتمان‌گونه‌ی شعر را یادآور شوم، به نقل نمونه‌ای از ترجمه‌ی رباعیات اکتفا می‌کنم. به رباعی زیر و ترجمه‌ی آن بنگرید:

وز می‌دو منی ز گوسفندی رانی
گر دست دهد ز مغز گندم نانی
عیشی بود آن نه حد هر سلطانی
بالاله رخی و گوشه‌ی بستانی
(رباعیات خیام، ویرایش خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۷)

A Book of Verses underneath the Bough,
A Jug of Wine, a loaf of Bread — and Thou
Beside me singing in the Wilderness—
Oh, Wilderness were Paradise enow!
Fitzgerald, *Rubaiyat of Omar Khayyam* (5th ed.), p. 156

ملاحظه می‌کنید که در ترجمه‌ی فیتزجرالد از رباعی بالا، عبارت "ز گوسفندی رانی" حذف و به جای آن "A Book of Verses" افزوده شده است. این کاستن و افزودن را باید با نگرش فیتزجرالد به مقوله‌ی شعر توجیه کرد. بنا بر سنت شعری دوره‌ی ویکتوریا، که مترجم به آن تعلق دارد، تعبیری مانند "A leg of mutton" یا "A leg of lamb" نمی‌توانست شاعرانه تلقی شود و بنابراین، به زعم مترجم، باید تعبیر شاعرانه‌ی "A Book of Verses" جای آن را بگیرد (لفویر، ۴: ۱۹۹۲).

۴. کاربرد چهارچوب تحلیلی حتمی و میسن در ارزیابی ترجمه‌ی انگلیسی رمان بوف کور

رمان بوف کور، نوشته‌ی صادق هدایت، نویسنده‌ی مشهور و معاصر ایرانی، اولین بار در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در نسخه‌های معدودی در بمبئی هندوستان، به چاپ رسید. این رمان یکی از مهم‌ترین و در عین حال یکی از بحث‌انگیزترین آثار ادبیات داستانی کشور مان به شمار می‌رود و در خارج از مرزهای ایران نیز از آن‌چنان شهرتی برخوردار است، که تاکنون چندین اثر به زبان انگلیسی در نقد و تفسیر آن منتشر شده است و بنابر داوری یک نویسنده و پژوهشگر امریکایی که خود کتاب مشروحه‌ی در باره‌ی بوف کور نگاشته است، این رمان حتی در شکل ترجمه‌شده‌ی آن - که به ناچار و به اقتضای ماهیت ترجمه، فاقد بسیاری از ظرایف و ارزش‌های اصیل متن فارسی آن است - نیز یکی از شاهکارهای ادبی جهان به شمار می‌آید (بی‌یرد، ۴: ۱۹۹۰). اما شاید بوف کور تا حدودی این شهرت جهانی خود را مدیون ترجمه‌ای باشد که در سال ۱۹۵۸ به قلم آقای دزموند پاتریک کاستلو به زبان انگلیسی در لندن منتشر شد.

برگردان انگلیسی کاستلو از بوف کور موضوع بخشی از پژوهش نسبتاً مفصلی است که نگارنده در چهارچوب تحلیلی حتمی و میسن (که در بالا معرفی گردید) در قلمرو نقد و بررسی ایدئولوژی، در قالب مطالعه‌ی تطبیقی متن اصلی و متن ترجمه‌شده، به انجام رسانیده است. آنچه ذیلاً ارایه می‌گردد، در حقیقت گزیده‌ی مختصری از نتایج پژوهش یادشده است. شایان ذکر است که در تحقیق یاد شده، تفاوت‌های دو متن مبدا و مقصد از نظر گزینش‌های واژگانی، اسمی شده‌ها (Nominalizations)، و ابعاد گفتمانی - یعنی پیوند واژگانی، ساز و کار تعدی (Transitivity)، و ساز و کار آغاز- پایانه (Theme-rheme organization) - هر یک جداگانه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ضمن، مبحث آغاز- پایانه ذیل عنوان "تغییر عاملیت" (Agency shift) مورد بررسی قرار گرفته است. اما در این مقاله، صرفاً به ارایه‌ی نمونه‌های معدودی از تغییر در هر مقوله بسنده می‌شود.

۴.۱. تغییر در ساز و کار تعدی (Transitivity shifts)

تغییرات در ساز و کار تعدی از سوی مترجم را می‌توان در چند دسته‌ی مختلف جای داد؛ مانند: راهکارهای تفصیل (expansion)، تقلیل (contraction)، عینیت (materialization)، تبدیل فرایند معلوم به مجهول یا عکس آن و جایگزین سازی یک فرایند با یک عنصر اسمی شده. نمونه‌های هر یک از این موارد ذیلاً ارایه می‌گردد.

۴.۱.۱. تفصیل متن (Expansion): منظور از "تفصیل"، موارد تغییری است که در طی آن، مترجم یک پاره

گفتار (utterance) فاقد فعل - یا به تعبیر دستور زبان نقشی - سازگانی، فاقد فرایند (process) - را در قالب یک

جمله یا جمله وارّه ترجمه کند، که خواه‌ناخواه بر خلاف متن مبدا دارای فعل و فاعل مشخص خواهد بود. در مواردی که مترجم بر تعداد فرایندها بیفزاید نیز با "تفصیل" سر و کار داریم. از مجموع تغییراتی که در مقوله‌های مورد مطالعه در ترجمه‌ی بوف کور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، بیش از ۲۷ درصد آنها تغییراتی است که مترجم در جریان ترجمه به "تفصیل" متن دست زده است، و باید یادآور شد که راهکار "تفصیل" بالاترین میزان تغییرات را در سر تا سر متن به خود اختصاص داده است.

۱. ... و تنها داروی آن فراموشی به توسط شراب و خواب مصنوعی به وسیله افیون و مواد مخدره است- ... (ص ۹)

Relief from it is *to be found* only in the oblivion brought about by wine and in the artificial sleep induced by opium ... (p. 7)

در حالی که متن مبدا فقط دارای یک فرایند معلوم از نوع اعتباری است، مترجم متن مقصد را در قالب سه فرایند مادی (عینی) و مجهول بیان کرده که فاعل فرایند مجهول عینی اول تلویحا انسان به صورت عام است.

۲. - مثل هوای پیش از طوفان- ... (ص ۹۷)

My mood was like the weather before the storm breaks. (p. 130)

در این مورد، مترجم یک عبارت را به صورت دو جمله‌ی پایه و پیرو برگردانده که شامل دو فرایند اعتباری و مادی (عینی) بوده و هر یک دارای فاعل مشخصی است.

۳. چه قیافه ترسناکی! (ص ۱۰۲)

How frightful was the face that I saw! (p. 138)

یک عبارت تعجبی در متن مبدا، در متن مقصد، در قالب دو جمله (پایه و پیرو) و دو فرایند اعتباری و ذهنی، با دو فاعل مختلف بیان شده است.

۴. ... از شدت وحشت عمومی با موهای سفید از اطلاق خارج می‌شود- ... (ص ۵۶)

... the horror of all this *had changed* my uncle, by the time he walked out of the room, into a white haired old man. (p. 74)

متن مبدا با یک عبارت حرف اضافه‌ای آغاز شده است و شامل یک فرایند است. در متن مقصد، عبارت ابتدای جمله‌ی مبدا گسترش یافته و در هیئت یک جمله‌ی کامل با فرایندی عینی ظاهر شده است، به گونه‌ای که نقش عاملیت "وحشت" قطعیت یافته و بروز و نمود عینی بیشتری پیدا کرده است.

۴.۱. ۲. **تقلیل متن (Contraction):** "تقلیل" روند تغییری است که در جهت عکس "تفصیل" گام بر می‌دارد،

یعنی مترجم جمله وارّه یا جمله‌ای کامل را که شامل دست کم یک فرایند است، به یک عبارت فاقد فرایند کاهش می‌دهد. عبارت حاصل از "تقلیل" ممکن است یک عنصر اسمی شده، یک قید و مانند این‌ها باشد. راهکار "تقلیل" در ترجمه‌ی بوف کور حدود هفت درصد مجموع تغییرات را در بر می‌گیرد، که در مقایسه با "تفصیل" رقم قابل توجهی نیست.

۱. ... رنگ لبش می‌پرد و چشم‌هایش گرد و وحشت زده می‌شود. (ص ۷۵)

... -- bloodless lips, staring, wild eyes -- ... (p. 100)

در متن مبدا، دو جمله با دو فرایند و دو فاعل مختلف وجود دارد، در حالی که متن مقصد همه‌ی اینها را به دو عنصر اسمی شده تقلیل داده است.

۲. ... یک کتاب دعا... که رویش یک وجب خاک نشسته بود. (ص ۸۱)

... a prayer book with half-an-inch of dust on it. (p. 100)

این مورد علاوه بر این که فرایند جمله‌ی مبدا را حذف کرده است و آن را در قالب یک عبارت حرف اضافه‌ای در آورده است، از بعد دیگری نیز قابل تامل است؛ یعنی از زاویه‌ی "بومی‌گرایی" (domestication). ملاحظه می‌کنید که عبارت "یک وجب خاک" در برگردان کاستلو با تعبیر دیگری بیان شده است؛ تعبیری که بر خلاف عبارت مبدا برای خواننده‌ی انگلیسی زبان کاملا آشنا است.

۳. چشم‌هایی که مال او بود ... (ص ۴۰)

... her eyes. (p. 51)

۴. - موهای او که بوی عطر موگرا میداد،... (ص ۱۱۳)

Her hair, redolent of champac ... (p. 152)

در مثال‌های (۳) و (۴) نیز همان روند "تقلیل" در کار است و در ترجمه‌ی هر دوی آنها مترجم اقدام به حذف فرایندها کرده و دو جمله را به صورت دو گروه اسمی برگردانده است.

۳.۱.۴. **عینی سازی متن (materialization):** این نوع تغییرات به مواردی اطلاق می‌شود که در آن، مترجم

فرایند جمله را که از نوع غیر مادی است (مثلاً، از نوع اعتباری، ذهنی، کلامی، و ...) در ترجمه به فرایندی مادی (عینی) تبدیل می‌سازد که بیانگر کنش (action) است و اگر انجام دهنده‌ی کار نیز انسان باشد، فرایندی ارادی به شمار می‌آید. در مجموعه تغییراتی که از سوی مترجم در سرتاسر متن ترجمه‌ی بوف کور اعمال شده است، حدود چهار درصد آن از نوع تغییرات "عینی سازی" است.

۱. لبخند مدهوشانه و بی اراده‌ی کنار لبش خشک شده بود، ... (ص ۱۴)

She wore on her lips a vague, involuntary smile ... (p. 16)

در برگردان انگلیسی، فرایند غیر ارادی جمله‌ی مبدا، با عاملیت غیر انسان، به یک فرایند عینی، کنشی و ارادی با عاملیت انسانی تبدیل شده است که با تاکید صریح متن مبدا بر غیر ارادی بودن فعل، مشکل بتوان پذیرفت که همان معنای متن اصلی تماماً به متن مقصد انتقال یافته است.

۲. - عطر سینه‌اش مست کننده بود ... (ص ۱۱۲)

The perfume of her bosom made my head swim ... (p. 151)

جمله‌ی اصلی فقط شامل یک فرایند اسنادی، یا "وجودی"، (existential) است، اما در ترجمه، این فرایند به دو فرایند عینی مبدل شده است و از آنجا که مستلزم کنش است، نقش فاعل را برجسته‌تر می‌نماید.

۳. - بالاخره از کار و جنبش/فتادم ... (ص ۶۲)

In the end I abandoned all the activities and interests that I had ... (p. 82)

در ترجمه، فرایند غیر ارادی و غیر کنشی جمله‌ی مبدا، به فرایندی عینی، کنشی، و ارادی مبدل شده است و در نتیجه این معنا را به ذهن منتقل می‌سازد که انگار این خود شخصیت داستان بوده است که از کار و سرگرمی به میل و اراده‌ی خود دست شسته است.

۴.۱.۴. **تبدیل ساختار معلوم به مجهول یا بر عکس (Voice shifts):** از دید بسیاری از منتقدان ادبی،

آوردن ساختار مجهول در یک اثر ادبی، به ویژه اگر بسامد آن از هنجار معمول کاربرد آن در زبان روزمره بیشتر باشد، فی نفسه می‌تواند معنا دار تلقی شود و بیانگر سلب عاملیت انسانی و نفی اراده‌ی فعال آدمیان باشد (نگاه کنید به کایز، ۱۹۹۲). وی برای اثبات این ادعا به کاربرد نسبتاً فراوان ساختار مجهول در رمان ۱۹۱۴ اثر جورج اورول اشاره می‌کند، که گفت‌وگو درباره‌ی آن، در این مختصر نمی‌گنجد.

مسلم می‌نماید این است که تبدیل جمله‌ای معلوم به مجهول در ترجمه، دست کم بخشی از معنای جمله‌ی مبدا را به خاطر تغییر در ساز و کار آغاز- پایانه و نیز تغییر عامل، دگرگون می‌سازد؛ همچنان که عکس آن نیز می‌تواند صادق باشد؛ یعنی هر نوع تبدیل مجهولی به معلوم نیز مستلزم تغییراتی در معنای کلی جمله خواهد بود. موارد تغییر جهت فعل (چه از معلوم به مجهول و چه از مجهول به معلوم) در ترجمه‌ی کاستلو از بوف کور بیش از شانزده درصد تغییرات را در بر می‌گیرد.

۱. موهای ژولیده‌ی سیاه و نامرتب دور صورت مهتابی او را گرفته بود و ... (ص. ۱۵)

Her face, pale as the moon, was framed in the mass of her black, dishevelled hair... (p. 17)

تغییر جهت فعل از معلوم به مجهول مستلزم تغییر در فاعل است، که در نتیجه‌ی آن آغازه‌ی جمله‌ی مبدا در جمله‌ی ترجمه، به پایانه انتقال یافته است و گروه اسمی جدیدی در جمله‌ی مقصد در نقش آغازه ظاهر شده است. در

بحثی که پیش‌تر درباره‌ی ساز و کار آغاز- پایانه مطرح شد، گفتیم که تغییر در مقام آغاز یا پایانه، معنای جمله را دستخوش دگرگونی می‌سازد. بنابراین، می‌توان گفت که جمله‌ی ترجمه‌ی فوق به تأکیدی متفاوت از آنچه در جمله‌ی اصلی آمده است منجر شده است.

۲. ... و دست‌های مادی، دست‌های آدمی آن را ندوخته بود. (ص ۱۸)

[Her dress]... had not been fashioned by material, human hands. (p. 21)

تبدیل جمله‌ی معلوم به مجهول، کانون توجه جمله را از "دست‌های ... آدمی" به فاعل تلویحی جمله‌ی مجهول، یعنی "لباس او" منتقل می‌سازد، زیرا آغاز- پایانه‌ی جمله نیز دستخوش دگرگونی شده است و نقش عاملیت انسانی نمود چندانی ندارد.

۳. ... مثل اینکه نیرویی مرا به این کار وادار می‌کرد. (ص ۱۹)

... as though I was compelled by some outside force to ... (p. 23)

در مثال بالا نیز حالت فعل در جمله‌ی مقصد دگرگون شده و حاصل آن این که تأکید جمله‌ی مبدا بر "نیروی مرموز"، در جمله‌ی مجهول مقصد، جای خود را به "فاعل ظاهری" اول شخص داده است، و بنابراین، معنایی که دو جمله به ذهن متبادر می‌سازند یکسان نخواهد بود.

۵. ۱. ۴. فرایند اسمی‌شدگی (Nominalization): اگر یک فرایند فعلی (verbal process) و مشارکت کنندگان (participants) آن را که معمولاً در یک زنجیره‌ی "فاعل- فعل" در پی هم می‌آیند، در قالبی فشرده‌تر و در هیئت یک گروه اسمی بیان کنیم، حاصل آن "اسمی‌شدگی" نامیده می‌شود، که روشن است با تبدیل فعل به اسم، زمان دستوری مشخص فعل نیز از میان خواهد رفت (نگاه کنید به بلور و بلور، ۱۹۹۵).

به نظر کایز (۱۹۹۲)، تبدیل فرایندها به "اسمی‌شدگی" عاملیت و نقش اراده‌ی انسانی را از کلام سلب می‌کند؛ چرا که با آوردن یک عنصر اسمی‌شده دیگر، نیازی به ذکر انجام دهنده‌ی کار (عامل) نخواهد بود. همین‌طور، کالزادا پرز (۲۰۰۲) معتقد است که حذف فعل از جمله و جایگزین ساختن آن با یک گروه اسمی هم انجام دهنده‌ی کار و هم مفعول را از صحنه محو می‌سازد و دست کم پیامد آن، کم رنگ جلوه دادن نقش آدمیان و حذف اراده‌ی انسانی خواهد بود.

با این مقدمه می‌توان به اهمیت این موضوع در ترجمه پی برد. راهکار تغییر فرایند به اسمی‌شدگی در متن ترجمه‌ی انگلیسی بوف کور حدود چهار در صد تغییرات را شامل می‌شود.

۱. ... اگر کسی بگوید یا بنویسد ... (ص ۹)

Any mention of them in conversation or writing ... (p.7)

در حالی که متن مبدا شامل یک فرایند کلامی و یک فرایند عینی، کنشی، و ارادی با فاعلی مشخص است، در روایت برگردان متن، دو فرایند یاد شده، جای خود را به سه عنصر اسمی شده داده‌اند، بدون این که اثری از عامل انجام کار بر جای مانده باشد، یا از زمان مشخصی سخن به میان آید.

۲. ... رجاله‌هایی که... قیافه‌ای طماع داشتند ... (ص ۶۸)

... an expression of greed on their faces ... (p. 91)

۳. رجاله‌هایی که ... دنبال پول و شهوت می‌دویدند ... (ص ۶۸)

... in pursuit of money and sexual satisfaction. (p. 91)

در برگردان انگلیسی دو نمونه‌ی بالا هم‌اولا، شاهد محو شدن فاعل و ثانیاً، محو زمان افعال هستیم که هر دو می‌توانند در انتقال معنا تأثیرگذار باشند.

۴. ۲. کیفیت انتقال پیوند واژگانی

در بحث از پیوند واژگانی گفتیم که هالیدی و حسن (۱۹۷۶) تأکید می‌ورزند که با تکرار واژگان (recurrence)، نویسنده چه بسا قصد تأکید تلویحی بر موضوع خاصی را داشته باشد. بنابراین، شایسته نیست که مترجم بی‌محابا از کنار ظرایف پیوندی متن بگذرد و به اهمیت مفهوم تلویحی آنها واقف نباشد. حتیم و میسن (۱۹۹۷) نیز بر این نکته اصرار می‌ورزند که در مواجهه با تکرار واژگانی اگر مترجم راهکارهای دیگری جز تکرار (مانند استفاده از کلمات هم

معنی، تلفیق عناصر تکرار و خلاصه کردن آنها و ... در پیش گیرد، تردیدی نیست که ظرایف معنایی متن را خدشه دار خواهد کرد.

اما مترجم بوف کور از نظر انتقال ظرافت‌های پیوندی متن اصلی سنگ تمام نهاده و تقریباً در سرتاسر متن در برگردان دقیق پیوندهای واژگانی اهتمام ورزیده است. به عنوان نمونه، به متن گزیده‌ی زیر از بوف کور و به حضور عناصر پیوندی مکرر در آن توجه فرمایید:

کمی پایین میخ از گچ دیوار یک تخته ور آمده و از زیرش بوی اشیا و موجوداتی که سابق بر این در این اطاق بوده‌اند استشمام می‌شود، به طوری که تا کنون هیچ جریان و بادی نتوانسته است این بوهای سمج، تنبل و غلیظ را پراکنده بکند: بوی عرق تن، بوی ناخوشی‌های قدیمی، بوهای دهن، بوی پا، بوی تند شاش، بوی روغن خراب شده، حصیر پوسیده، خاکینه‌ی سوخته، بوی پیاز داغ، بوی جوشانده، بوی پنیرک و مامازی بچه، بوی اطاق پسری که تازه تکلیف شده، بخارهایی که از کوچه آمده و بوهای مرده یا در حال نزع که همه‌ی هنوز زنده هستند و علامت مشخصه‌ی خود را نگه داشته‌اند. خیلی بوهای دیگر هم هست که اصل و منشاء آنها معلوم نیست ولی اثر خود را باقی گذاشته‌اند. (بوف کور، صص ۵۰-۵۱)

اکنون به برگردان انگلیسی متن بالا بنگرید و به نحوه‌ی انتقال عناصر پیوندی، که از شانزده مورد تکرار واژه‌ی "بو"، مترجم فقط در سه مورد به واژه‌ی مترادفی غیر از "smell" روی آورده است:

Just below the nail there is a patch where the plaster has swelled and fallen away, and from that patch one can detect the **odours** from the things and the people which have been in the room in the past. No draught or breeze has ever been able to dispel these dense, clinging, stagnant **odours**: the **smell** of sweat, the **smell** of by-gone illnesses, the **smell** of people's mouths, the **smell** of feet, the acrid of urine, the **smell** of rancid oil, the **smell** of decayed straw matting, the **smell** of burnt omelettes, the **smell** of fried onions, the **smell** of medicines, the **smell** of mallow, the **smell** of dirty napkins, the **smell** which you find in the rooms of boys lately arrived at puberty, the vapours which have seeped in from the street and the smells of the dead and dying. All of these **odours** are still alive and have kept their individuality. There are, besides, many other **smells** of unknown origins which have left their traces there. (D. P. Costello, *The Blind Owl*, pp. 65-66)

۳.۴. تغییر در "عاملیت" (Agency shifts)

در بحث کلی درباره‌ی ساز و کار تعدی یاد آور شدیم که تغییر در نقش مشارکت کنندگان در یک فرایند (برای مثال، تبدیل فاعل به مفعول، یا بر عکس، و ...) در جریان ترجمه، از آن جا که در برخی موارد جهت گیری ساز و کار آغاز-پایانه را نیز ممکن است دگرگون سازد، در نهایت می‌تواند به تغییر معنایی جمله بینجامد. علاوه بر این، تغییر در نوع عامل (مثلاً، جایگزینی عامل انسانی با یک عامل غیر انسانی) هم در همین مقوله جای می‌گیرد و همان پیامد دگرگونی معنایی را به دنبال خواهد داشت.

در میان تغییراتی که در متن ترجمه‌ی بوف کور مورد مطالعه قرار گرفته است، "تغییر در عاملیت" با اختصاص ۲۵ درصد تغییرات به خود، پس از راهکار "تفصیل" بیشترین نوع تغییرات را در بر می‌گیرد.

۱. میگفت: «بی نمازم.» (ص ۵۹)

... would only say, "It's the wrong time of the month." (p. 78)

در برگردان این جمله، همزمان چند تغییر صورت گرفته است. نخست، فاعل انسانی جمله‌ی مبدا به فاعلی ظاهری (dummy subject) بدل شده است؛ دوم، جهت گیری آغاز-پایانه عوض شده است؛ سوم، در مواجهه با یک تعبیر اصطلاحی که بیانگر باورهای مذهبی شخصیت داستان نیز هست، مترجم از ایدئولوژی متن اصلی فاصله گرفته و به بیان تلویحی دیگری روی آورده است که ایدئولوژی متفاوتی را به ذهن القا می‌کند.

۲. همین که قضیه کشف میشود... (ص ۵۶)

As soon as she learned the truth... (p. 73)

در ترجمه‌ی جمله‌ی بالا، مترجم اولاً، مجهول را به معلوم تبدیل کرده و ثانیاً، فاعل غیر انسان را به فاعلی انسانی.

اگر از منظر ساز و کار آغاز- پایانه به جمله نگاه کنیم، در حالی که جمله‌ی متن مبدا "قضیه" را در کانون توجه خواننده قرار می‌دهد، برگردان انگلیسی آن، توجه خواننده را معطوف به شخصیت داستان می‌کند و پر واضح است که در افاده‌ی معنا نیز با متن اصلی مغایرت دارد.

۳. ... مثل این مردهای تخمی که زنهای حشری و احمق را جلب می‌کنند... (ص ۹۹)

... Like the stud-males that stupid randy women usually fall for. (p. 132)

مفعول جمله‌ی متن فارسی در جمله‌ی انگلیسی در مقام فاعل جمله‌ی پیرو ظاهر شده است تغییر عمده‌ای که در معنای جمله روی داده این است که در جمله‌ی مقصد، "مردان" در نقش موجوداتی منفعل ترسیم شده‌اند که انگار در جلب توجه "زنان" اراده و کنش آنان تاثیری ندارد، و در عوض، ابتکار عمل را به "زنان" تفویض می‌کند. از منظر گفتمانی نیز می‌توان گفت که دو جمله‌ی مبدا و مقصد دو گفتمان کاملا متفاوت و چه بسا متضاد را به نمایش می‌گذارند: در حالی که متن فارسی را می‌توان بر گفتمانی "مردسالار" اطلاق نمود، متن انگلیسی در مسیری عکس آن گام بر می‌دارد و به نوعی "گفتمان زن باوری" (feminist discourse) نزدیک می‌گردد.

۵. نتیجه‌گیری

اگر از تقسیم‌بندی دوگانه‌ی روش‌های ترجمه و تقلیل آنها به دو روش کلی "بومی‌گرایی" (domestication) و "بیگانه‌گرایی" (foreignization)، که حدود دو سده پیش از سوی شلاپر ماخر (Schleiermacher) (۱۸۱۳) پیشنهاد شده است - و ونوتی (۱۹۹۵) نیز بر آن مهر تایید زده و بر اساس آن در نقد و ارزیابی ترجمه‌هایی که در انگلستان و آمریکا طی سصد سال گذشته انجام گرفته است، روند "بومی‌گرایی" را حاکم می‌داند - بگذریم، در حوزه‌ی ترجمه‌شناسی، و مطالعات ترجمه، شاید بتوان گفت که تاکنون در نقد ترجمه‌ها، و به ویژه، ارزیابی گرایش‌های ایدئولوژیک مترجم، کمتر چهارچوب تحلیلی نسبتاً منسجمی، نظیر آنچه از سوی حتیم و میسن (۱۹۹۰، ۱۹۹۱)، و (۱۹۹۷) پیشنهاد شده است و در ابتدای این مقاله به معرفی آن پرداختیم، ارایه شده است. همچنین در بخش پایانی مقاله اجمالا نشان دادیم که الگوی تحلیلی یادشده در نقد و بررسی جنبه‌های ایدئولوژیک متون ادبی ترجمه شده نیز می‌تواند از کارآیی لازم برخوردار باشد.

همان‌گونه که مایکل بی‌یرد (به نقل از امامی، ۱۳۸۱) نیز یادآور شده است، برگردان کاستلو از بوف کور در جمع‌بندی کلی، ترجمه‌ای است از نوع "آزاد"، گرچه این ارزیابی به معنای خرده گرفتن بر ترجمه‌ی منسجم، حساس و یکدست وی و نادیده گرفتن ارزش‌های ادبی آن نیست. اما در شرایطی که تاکنون در قلمرو ترجمه‌های ادبی از فارسی به انگلیسی، در حوزه‌ی ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه، جای مطالعات مفصلی از نوع پژوهشی که فشرده‌ای از آن را در این مقاله درج گردیده است، تقریباً خالی بوده است و به تبع آن، هنجار و معیار مشخصی درباره‌ی میزان دخل و تصرف‌های مترجم در جریان برگردان متن اصلی در دست نیست، مشکل بتوان به یک ارزیابی‌ای دقیق، علمی و همه جانبه از ترجمه انگلیسی بوف کور دست یافت. با این حال به نظر می‌رسد یافته‌های این تحقیق می‌تواند چند نکته را روشن سازد:

- نخست، از آنجا که راهکار "تفصیل"، نسبت به دیگر تصرفاتی که مترجم در متن ترجمه‌ی خود انجام داده است، از بروز و نمود کمی‌بیشتری برخوردار است (بیش از ۲۷ درصد تغییرات)، شاید بتوان به این نتیجه‌گیری دست یافت که در ترجمه‌های ادبی، میل به "بسط" و گسترش متن بیش از میل به "قبض" یا "تقلیل" متن دیده می‌شود. دلیل دیگری که بر این مدعا وجود دارد این است که غالباً حجم متن ترجمه شده از حجم متن اصلی بیشتر است، چرا که مترجم به نوعی دست به تعبیر و تفسیر متن اصلی می‌زند. در تایید همین نکته، سخن خزاعی فر (۱۳۸۱، ص ۱۰) نیز قابل تأمل است، که می‌نویسد: "زبان ترجمه پیوسته میل به بسط و گاه میل به قبض دارد."

- دوم، دو راهکار دیگری که از نظر کمی در ترجمه‌ی انگلیسی بوف کور از نمود بیشتری برخوردار است، "تغییر عاملیت" و "تغییر ساختار معلوم به مجهول، یا عکس آن است با این تفاوت که دخل و تصرف‌های مترجم در این دو مقوله، همچنان که قبلاً در جای خود یادآور شدیم، به تغییرات معنایی عمیق‌تری می‌انجامد و در نهایت، یک

ایدئولوژی‌ای متفاوت با متن اصلی را به نمایش می‌گذارد.

● سوم، درست است که دخل و تصرف‌های مترجم در دیگر مقوله‌های مورد مطالعه از دید آماری نمی‌تواند چندان معنادار (significant) تلقی شود که بر پایه‌ی آنها بتوان الگو یا روند خاصی را بر ترجمه‌ی مورد بحث حکمفرما دانست، اما بر یک نکته‌ی بدیهی نمی‌توان چشم فرو بست: تغییرات اعمال شده از سوی مترجم در هر یک از این مقوله‌ها می‌تواند به منزله‌ی شاهدهی بر حرکت مترجم در مسیری متفاوت با ایدئولوژی کلی حاکم بر متن اصلی باشد.

● نکته‌ی آخر این که، به نظر می‌رسد حوزه‌ی ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه، عموماً، و قلمرو ایدئولوژی در ترجمه، خصوصاً، نیازمند کاوش‌ها و پژوهش‌هایی بیش از این‌ها است تا بر مبنای یافته‌های مجموع آنها بتوان گرایش‌ها و راهکارهای مترجم در فرایند ترجمه را بازشناخت و در نهایت، به الگو یا روندی قابل توصیف در ترجمه‌ها دست یافت.

منابع

الف: فارسی

- امامی، کریم. (۱۳۸۱). *درباره‌ی ترجمه‌ی انگلیسی رمان بوف کور*، کارگاه ترجمه (۱۹)، مترجم، ۳۶، ۳۳-۴۰.
- حسینی، صالح. (۱۳۸۰). مترجم، ۱۹۸۴. تهران: نیلوفر.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۸۱). *روانشناسی لفظ‌گرایی، مترجم*، ۳۶، ۳-۱۲.
- خیام، عمر. (۱۳۷۳). *رباعیات خیام*، (م. فروغی و ق. غنی، مصحح؛ ب. خرمشاهی، ویراستار). تهران: ناهید.
- هدایت، صادق. (۱۳۵۱). *بوف کور*، (چاپ چهاردهم). تهران: امیر کبیر.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۰). *واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژه‌شناسی مقابله‌ای: تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی*، در ع. خزاعی فر (به اهتمام)، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*، مشهد: نشر بنفشه، ۳۲۳-۳۲۹.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۹). *بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان (بخش اول)*. مترجم، ۳۲، ۳-۱۰.

ب: انگلیسی

- Baker, M. (1999). *In Other Words: A Coursebook on Translation*, London: Routledge.
- Beard, M. (1990). *Hedayat's Blind Owl as a Western Novel*, Princeton, New Jersey: Princeton University Press
- Bloor, T. and Bloor, M. (1995). *The Functional Analysis of English*, London: Arnold.
- Brown, G. and Yule, G. (1983). *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Calzada Perez, M. C. (2002). *A three-level methodology for descriptive-explanatory translation studies*, *Target*, 13(2), 203-39.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London: Longman.
- Fawcett, P. (1998). *Ideology and Translation*, In M. Baker (Ed.), *Routledge Encyclopedia of translation studies*, London: Routledge, 106-111.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. and Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.
- Hatim, B. (1999). *Implications of Research Into Translator Invisibility*, *Target*, 11(2), 201-222.
- Hatim, B. and Mason, I. (1990). *Discourse and the Translator*, London: Longman.
- Hatim, B. and Mason, I. (1991). *Coping with ideology in professional translating*, *Interface: Journal of Applied Linguistics*, 6(1), 23-32.

- Hatim, B. and Mason, I. (1997). **The Translator as Communicator**, London: Routledge.
- Hawkins, B. (2001). **Incorporating Tensions: on the Treatment of Ideology in Cognitive Linguistics**, In R. Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology: Vol. 1. Theoretical Cognitive Approaches*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, 1-22.
- Hedayat, S. (2001). **The Blind Owl**, [*Bouf-e kour*] (Offset ed.). (D. P. Costello, Trans.), Tehran: Caravan Publishing House. (Original work published 1936).
- Kies, D. (1992). **The Uses of Passivity: Suppressing Agency in Nineteen Eighty-Four**, In M. Davies & L. Ravelli (Eds.), *Advances in Systemic Linguistics*. London: Frances Pinter, 229-250.
- Lefevere, A. (Ed.). (1992). **Translation/History/Culture: A Sourcebook**, London: Routledge.
- Mason, I. (1994). Discourse, Ideology, and Translation, In R. D. Beaugrande, A. shunnaq, & M. H. Heliel (Eds.), **Language, Discourse and Translation in the West and Middle East**. Amsterdam: John Benjamins, 23-34.
- Orwell, G. (1962). **Nineteen Eighty-Four**, London: Secker & Warburg.
- Orwell, G. (2001). 1984 (7thed.). (S. Hosseini, Trans.), Tehran: Niloofar Publishing House. (Original work published 1949)
- Pires de Oliveira, R. (2001). Language and Ideology: An interview with George Lakoff, In R. Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), **Language and ideology: Theoretical cognitive approaches**. Amsterdam: John Benjamins, 1, 23-47.
- Schaffner, C. (2002). **Translation, Politics, Ideology**, In K. Hardey (Ed.), *CTIS occasional papers*., Manchester: UMIST, 2, 97-111.
- Simpson, P. (1993). **Language, Ideology and Point of View**, London: Routledge.
- Sykes, M. (1985). Discrimination in Discourse, In T. A. van Dijk (Ed.), **Handbook of Discourse Analysis: Discourse analysis in Society**. London: Academic Press, 4, 83-102.
- Venuti, L. (1995). **The Translator's Invisibility: A History of Translation**, London: Routledge.
- Venuti, L. (1998). Strategies of Translation, In M. Baker (Ed.), **Encyclopedia of Translation Studies**, London: Routledge, 240-244.